

مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام(ص)

جلال درخشه*

سیدمهدی موسوی‌نیا**

چکیده

تعیین مؤلفه‌های حکمرانی شایسته یکی از دغدغه‌های ذهنی بشر کنونی در حوزه‌های اجتماعی می‌باشد که لازم است با رویکردی اندیشه‌ای به این موضوع پرداخته شود. در این مقاله سعی شده است با جمع‌بندی از نظریه‌های مربوط به این حوزه و با رجوع به اندیشه اسلامی و سیره حکومتی پیامبر اسلام(ص)، مؤلفه‌های اساسی حکمرانی شایسته در دوره ۱۰ساله حکومت ایشان در مدینه‌النبی استخراج گردد تا گامی مؤثر در موضوعات میان‌رشته‌ای جدید برداشته شود. استخراج سیره طبق اصول مطالعات سیره‌پژوهشی و روش تحلیل داده‌ها بر اساس مطابقت با چارچوب نظری یعنی حکمرانی مطلوب انجام شده است. بر این اساس، ضمن بررسی الگوهای مختلف بازآفرینی دولت، خدمات عمومی جدید و مردم‌سالار در حوزه حکمرانی شایسته، الگوی دولت مردم‌سالار که شامل ۶ مؤلفه اصلی حکمرانی شایسته است، همخوان‌تر از الگوهای دیگر برای تحلیل سیره ایشان در موضوع مورد نظر تشخیص داده شد. با بهره‌ای که از آثار موجود در این زمینه برده شد، مؤلفه‌های حکمرانی شایسته بدین شرح مورد توجه واقع شد: قانون‌گرایی، فسادستیزی، شفافیت، رفق و مدارا، عدالت‌محوری، مشارکت‌طلبی، اثربخشی و پاسخگویی.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی شایسته، سیره حکومتی، حضرت محمد(ص)، سیاست اسلامی.

* استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)، (نویسنده مسئول). J.dorakhshah@yahoo.com

** دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه امام صادق(ع) و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع).

Mousavinia.smahdi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۲

۱. مقدمه

امروزه جامعه اسلامی، در سطوح مختلف زندگی خود، چه در مسائل نظری و چه در مسائل عملی، با چالش‌های مختلفی مواجه است و نیازمند نسخه‌ها و تجویزاتی متقن و قابل اعتماد است تا بتواند بر این مشکلات فائق آید. به منظور تحقق این هدف، مدت‌هاست که مطالعات میان‌رشته‌ای گوناگونی برای پاسخ به سؤالات کنونی در حال انجام است؛ از یک سو پژوهشگر باید با سؤالات جدیدی روبرو گردد و از سوی دیگر، باید پاسخ به این سؤالات را از منابع دینی استخراج نماید. یکی از راه‌هایی که قرآن کریم به مسلمانان پیشنهاد می‌نماید، پیروی از پیامبر اسلام (ص) و ضرورت الگوگیری از ایشان است. انجا که تاکید می‌نماید: « قطعاً برای شما در رفتار رسول خدا مایه اقتدا و سرمشق زندگی است برای کسی که به خدا و روز واپسین امید (قلبی و عملی) دارد و خدا را بسیار یاد می‌کند.»^۱

یکی از دغدغه‌های بسیار مهم در شرایط فعلی، نحوه حکمرانی شایسته است که در این باب، نظریه‌های مختلفی و شاخصه‌های متعددی مطرح گردیده است. هرچند به سبب بسط بودن جامعه مدنی، تطبیق کامل نظریه‌های مبتنی بر جوامع پیچیده امروزی بر جامعه مدینه النبی، امر دشواری است، اما با این حال، می‌توان این موضوع را در حکومت پیامبر اسلام (ص) دنبال نمود و در باب بنیان‌های نظریه حکمرانی شایسته در حکومت ایشان، نظریه پردازی کرد.

جستجوی این موضوع در میان پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده، نشان می‌دهد که پژوهش حاضر از دو جهت متمایز از دیگر کارهاست: (۱) در پرداختن به حکومت پیامبر اسلام (ص)، دیدگاه صرفاً تاریخی ندارد، بلکه به دنبال استفاده‌ای نظری و اندیشه‌ای از این دوران است؛ (۲) در مقایسه با تلاش‌هایی که در زمینه حکمرانی شایسته شده است، به دنبال بیان ادبیات دینی در این حوزه است. البته پژوهش‌هایی در سیره امیرالمؤمنین علی (ع) انجام شده که پژوهش حاضر می‌تواند مکمل چنین تلاش‌هایی برای تکمیل نظریه اسلامی در موضوع مورد نظر باشد.

بنابراین در این مقاله، ضمن وقوف بر اهمیت و ضرورت موضوع، پاسخگویی به این سؤال اصلی دنبال می‌شود که: الگوی حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص) بر چه مولفه‌هایی استوار است؟ روشن است که پاسخ به این سؤال، نیازمند بیانی دقیق از دولت، حکومت، حاکمیت، حکمرانی، حکمرانی شایسته و معنای سیره است. در این تحقیق، ضمن بررسی الگوهای مختلف تحلیلی در زمینه حکمرانی

مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص) ۳

شایسته، با دیدگاهی مختار و البته اولیه، سیره پیامبر اسلام (ص) مورد بررسی قرار گرفته تا ضمن بررسی الگوی رفتاری ایشان، در نهایت، به سیره ایشان در موضوع مذکور اشاره شود.

شهید مطهری در تبیین مفهوم سیره و منطق ثابت رفتاری، آن را سبک و سیاق و منطق خاصی می‌داند که افراد صاحب سبک و منطق در سیر خودشان به کار می‌برند. به تعبیر ایشان، همه مردم سیر دارند ولی همه مردم سیره ندارند، یعنی چنین نیست که همه مردم در رفتار خودشان از یک منطق خاص پیروی کنند و سلسله اصولی را در رفتار خودشان داشته باشند که آن اصول معیار رفتار آن‌ها باشد. (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۵۷) بنابراین، با دستیابی به منطق رفتاری ثابت معصومین (ع)، حتی آنجایی که اخلاق آن‌ها به تناسب شرایط بوده است، با بررسی آن شرایط خاص، می‌توان به منطق رفتاری ثابت رسید. این منطق رفتاری ثابت به ما کمک خواهد کرد که در شرایط مشابه با زندگانی معصوم (ع)، رفتاری شبیه به ایشان انجام دهیم.

توجه به این مسأله، از واضحات است که با آوردن آموزه‌های وحیانی سیره پیامبر اسلام (ص) در نتیجه تحقیق حاضر، معنای رایج در حکمرانی شایسته دچار تغییر و تحولاتی خواهد شد. به نظر می‌رسد در حوزه اندیشه دینی، به جای تطبیق نظریه‌های جدید با آموزه‌های وحیانی، باید در گام اول به دنبال اصلاح نظریه‌های فعلی رفت و در گام بعدی، برای تولید نسخه‌های بومی و اسلامی آن تلاش کرد.

۲. چارچوب نظری

نظریه حکمرانی شایسته به رابطه شهروندان با حکومت اشاره داشته و ادعا دارد رابطه نادرست میان شهروندان و حکومت‌کنندگان از موانع اصلی توسعه یافتگی اقتصادی است و حکمرانی شایسته می‌تواند به اصلاح این رابطه بپردازد. (شریف زاده و قلی پور، ۱۳۸۲، صص ۹۵-۹۸) فهم دقیق‌تر از نظریه حکمرانی شایسته، نیازمند درک درستی از جایگاه این نظریه در تاریخ اندیشه سیاسی غرب است. از هنگام پیدایش علم اقتصاد توسعه، سیاست‌گذاری در کشورهای در حال توسعه را به سه دوره می‌توان تفکیک کرد: الف) دوره دولت بزرگ: این دوره با پایان جنگ جهانی دوم شروع می‌شود و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه می‌یابد. به سبب ویرانی‌های به جای مانده از جنگ، لازم بود تا دولت در امور، مشارکت حداکثری داشته باشد، (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۴، ص ۱۹) ب) دوره دولت حداقل: این الگو که از پایان دهه ۱۹۷۰ آغاز می‌گردد، راه توسعه را در

دخالت حداقلی دولت در اقتصاد می‌داند. این رویکرد نیز تا پیش از اواسط دهه ۱۹۹۰ دوام نیاورد. چرا که پیگیری این رویکرد نتیجه‌ای جز افزایش نابرابری نداشت. در همین زمینه، استیگلیتز نابرابری میان سه دسته از کشورهای ثروت‌مند، متوسط و فقیر را از آغاز دهه ۱۹۷۰ تا پایان دهه ۱۹۹۰ مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که نابرابری میان این سه گروه افزایش یافته است (استیگلیتز، ۱۳۸۲، صص ۲۳۵-۲۴۵) فروپاشی شوروی نیز توجهات کشورهای استقلال یافته را به سوی اقتصاد بازار تغییر داد، اما در عمل، نرخ تورم نامطلوب گردیده و فقر روز به روز افزایش می‌یافت، (مبارک و آذریبوند، ۱۳۸۹، صص ۱۰-۱۳) دوره حکمرانی شایسته: بحران در نظریه دولت حداقلی سبب شد تا بانک جهانی در دهه ۱۹۹۰، به فکر بررسی حل این معضل افتاد و پس از مطالعات گسترده، راه حل را در تقویت حکمرانی و شیوه مدیریت یافت. آن‌ها برای افزایش ظرفیت‌های دولت، سیاست‌های متعددی چون اصلاح نظام قضایی، تمرکززدایی، مبارزه با فساد، شفاف‌سازی نظام اداری، شایسته‌سالاری و پیوستن به نظام‌های بین‌المللی پیشنهاد دادند. در واقع، بانک جهانی در این گزارش سیاست‌های توانمندسازی دولت یا بهبود حکمرانی را محور اصلی سیاست‌گذاری توسعه قرار داد (قلی‌پور، ۱۳۸۷، صص ۶۵-۶۹) همچنین در مقاله‌ای که توسط کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در بخش آسیا و اقیانوس آرام به مفهوم حکمرانی شایسته پرداخته شده، این مفهوم با ۸ مشخصه اصلی تعریف گردیده که عبارتند از: مشارکت، وفاق، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، اثرگذاری، شفافیت، مساوات، حاکمیت قانون.^۲

در این میان، توجه به این نکته ضروری است که توسعه اقتصادی و سیاسی به موازات یکدیگر در حال حرکت هستند و این ادعا که حوزه حکمرانی شایسته صرف اقتصادی است، صحیح نمی‌باشد. هرچند این مفهوم از اقتصاد آغاز گردیده، اما می‌توان آن را به حوزه سیاست و حکومت تسری داد تا با رویکردی جامع، از بحران در نظام اقتصادی جلوگیری نمود. (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۴، صص ۲۱) علاوه بر تعریف حکمرانی شایسته، می‌بایست به نظریات مطرح در این موضوع که دیدگاهی کلان به این حوزه دارند، پرداخته شود. رحمت‌الله قلی‌پور در کتاب حکمرانی شایسته و الگوی مناسب دولت، به مهمترین نظریات در این رابطه پرداخته است. این نظریات عبارت است از:

۲-۱. الگوی بازآفرینی دولت

این الگو به عنوان راهی نو به منظور کارآمدتر شدن دولت، توسط آذربورن و گیلبر در سال ۱۹۹۲ مطرح گردید. این الگو که در قالب دولت کارآفرین است، با نقد دیوان‌سالاری، پیشنهادهای برای اصلاح بخش دولتی می‌دهد. لازم به ذکر است پیشنهادات مذکور، بن‌مایه‌ای اساسی دارد که همان بازآفرینی دولت است.

۲-۲. الگوی خدمات عمومی جدید (خدمت‌رسانی)

دنهارت با نقد نظریه بازآفرینی و اصلاح دولت، معتقد است به جای اصلاح دولت که ممکن است به نابودی آن بیانجامد، باید مدیریت دولتی را به سمت خدمت‌رسانی سوق داد. او معتقد است دولت و حکمرانی شایسته، براساس خدمت‌رسانی خوب تحقق خواهد یافت. به طور کلی دنهارت با نقد الگوی دولت کارآفرین، بر تئوری مردم‌سالار، عقلانیت راهبردی، پاسخ‌گویی به شهروندان و نقش دولت به عنوان خدمت‌رسانی تأکید دارد.

۲-۳. الگوی دولت مردم‌سالار

والدو در انتقاد از الگوی بازآفرینی دولت، به زمینه‌های سیاسی مدیریت دولتی که در مدل بازآفرینی مورد غفلت واقع شده، اشاره می‌کند و البته توجه خود را فراتر از خدمت‌رسانی می‌داند. در الگوی پیشنهادی وی که آن را الگوی دولت مردم‌سالار معرفی می‌کند، بر الگوی مدیریت مردم‌سالار و دولت نامتمرکز تأکید می‌شود. این مدل دارای عناصر و مؤلفه‌های کلیدی ذیل است: مردم‌سالاری، مشارکت‌جویی، پاسخ‌گویی، اثربخشی، کارآفرینی، عدالت‌محوری. (قلی‌پور، ۱۳۸۷، صص ۱۲۴-۱۲۸)

۲-۴. الگوی برگزیده (مختار)

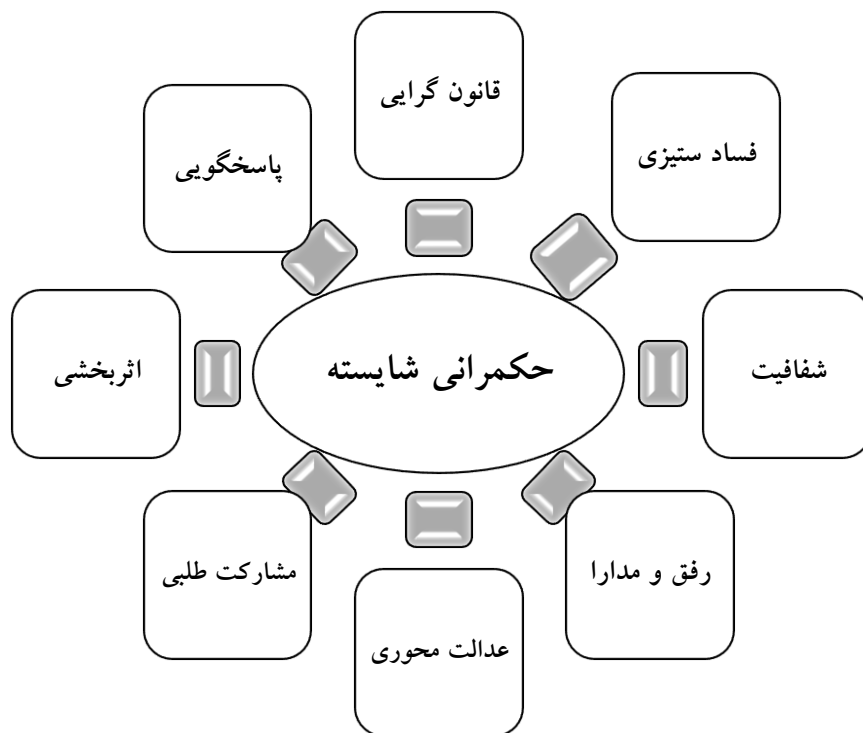
تدقیق در الگوهای مذکور و سنجدیدن آن با موضوع تحقیق حاضر که پیگیری حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص) می‌باشد، گویای این امر است که تطبیق نظریات خدمات عمومی جدید، با توجه به قدمت حکومت حضرت و تفاوت مسائل آن زمان با پیش‌فرض‌های این نظریه، امری دشوار است. با این حال، با توجه به نگاه اسلام به نقش مردم در حکومت، به نظر می‌رسد با بهره‌گیری از الگوی دولت مردم‌سالار، بتوان سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص) را به شکل بهتری تحلیل نمود. با این

حال، رجوع به سیره پیامبر اسلام(ص) و بیان جزئیاتی در حوزه مؤلفه‌های کلیدی الگوی حکمرانی شایسته، ضمن ایجاد تلقی درست بشر از این مفهوم، راهگشای مسائل او خواهد بود. پیش از پرداختن به تجربه حکومت نبوی در مدینه، برای مشخص‌تر شدن معنای هر یک از مؤلفه‌های کلیدی دیدگاه مردم‌سالار، نیاز به معرفی هر یک از آنهاست که در قالب جدول زیر، به آن پرداخته می‌شود:

جدول شماره (۱). بیان ویژگی مؤلفه‌های حکمرانی شایسته (قلی‌پور، ۱۳۸۷، صص ۱۲۹-۱۳۱)

مؤلفه‌ها	بیان ویژگی
مردم‌سالاری	مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری / اداره امور عمومی بر مبنای خواست اکثریت / فرصت مساوی برای رأی دادن برای هر عضو / آزادی بیان
مشارکت‌جویی	تعامل و مشارکت شهروندان با دولت / فرصت مساوی و واقعی برای ابراز عقیده / افزایش اعتماد بین شهروندان و دولت / ایجاد هم‌افزایی در نیروهای موجود جامعه
پاسخ‌گویی	افزایش اعتماد عمومی / کاهش فساد اداری / پاسخگویی نسبت به مردم و نمایندگان آنها / شفافیت در رفتار دولت
اثربخشی	رضایت‌مندی شهروندان / حاکمیت اخلاق در خدمت دولتی / افزایش اعتماد / کاهش فساد اداری / رسیدگی به مشکل شهروندان
کارآفرینی	افزایش رفتارهای مبتکرانه و نوآور / افزایش ریسک‌پذیری / کاهش رفتار محتاطانه / بهره‌وری بالای خدمات عمومی
عدالت‌محوری	توزیع مساوی خدمات دولتی / تحقق عدالت اجتماعی / تأمین حقوق فردی / ایجاد فرصت‌های مساوی در جامعه / رفع هرگونه تبعیض نژادی، جنسی و مذهبی

بر اساس مؤلفه‌های اشاره شده در دیدگاه مردم‌سالار و معانی برگرفته از جدول فوق، می‌توان مؤلفه‌های نظریه حکمرانی شایسته را به صورت زیر بسط داد:



نمودار شماره (۱). مؤلفه‌های نظریه حکمرانی شایسته

۳. تشکیل حکومت نبوی در مدینه

با وفات ابوطالب^(علیه السلام) در عام الحزن، فشار مکیان چنان بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) افزوده شد که مشابه آن در دوره حیات ابوطالب^(علیه السلام) وجود نداشت. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، جلد ۳، ۱۳۵) خفقان به وجود آمده در این شرایط، حضرت را به این تصمیم رساند تا ضمن سفر به طائف و تماس با سران قبیله ثقیف در آنجا، آیین اسلام را آنها عرضه دارد تا شاید موفقیتی حاصل گردد. (سبحانی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۴) در چنین وضعیتی، می‌توان این حرکت را تلاشی برای یافتن جایگزینی برای شهر مکه، به منظور ادامه وظیفه رسالت دانست.

یکی از اتفاقاتی که زمینه‌ساز شروع یک حرکت جدید به حساب می‌آید، ارتباط حضرت با مردم مدینه بوده است. نقل شده است که شش نفر از خزرجیان مدینه، دور از چشم مکیان، در عقبه منا با پیامبر (صلی الله علیه و آله) دیدار کردند و به ایشان ایمان

آوردند. آنان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) تعهد کردند که پیام ایشان را به مردم مدینه رسانده و آنان را به دین اسلام فرا خوانند. (ابن هشام، بی تا، جلد ۱، صص ۴۲۸-۴۲۹) یک سال پس از ایمان آوردن شش نفر از مدینه، دیدار حضرت با مردم مدینه مجدداً اتفاق افتاد و این بار، دوازده نفر دیگر از مردم مدینه، به خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسیدند و به ایشان ایمان آوردند. همچنین آنان پیمان عقبه اولی را با پیامبر (صلی الله علیه و آله) بستند که اصول آن عبارت بود از: ۱- یکتاپرستی و ترک شرک، ۲- اجتناب از دزدی، ۳- پرهیز از زنا، ۴- اجتناب از قتل فرزندان و پرهیز از آوردن فرزند از زنا، ۵- طاعت از فرمان پیامبر در کارهای نیک. (ابن هشام، بی تا، جلد ۱، صص ۴۳۱-۴۳۳) همچنین حضرت، مصعب بن عمیر را به عنوان نماینده خود و تعلیم‌دهنده مردم مدینه، به سوی آنان فرستاد. (یعقوبی، بی تا، جلد ۲، ص ۳۸)

مکه در موسم حج سال بعد نیز میزبان افراد دیگری از مدینه به همراهی مصعب بن عمیر بود که ابن هشام، تعداد آنان را ۷۳ مرد و ۲ زن ذکر کرده است. (ابن هشام، بی تا، جلد ۱، ص ۴۴۱) پیامبر اسلام (ص) فرمایشاتی به آن جمع داشتند که به نوعی اتمام حجت و گرفتن تعهد مبنی بر یاری ایشان در مدینه بود؛ (ابن هشام، ۱۳۷۷، جلد ۱، ص ۲۹۰) بنابر این سخنان، به نظر می‌رسد «پیش از ملاقات در عقبه ثانیه، گفتگوهای اولیه برای مهاجرت انجام شده بود و یک بُعد این دیدار، بیعت برای تمهید مقدمات مهاجرت و تعهد و حمایت از پیامبر در مدینه بوده است.» (زرگری نژاد، ۱۳۷۸، ص ۳۰۶) بنابر این می‌توان گفت این ملاقات، جنبه نهایی کردن و قطعیت بخشیدن به مهاجرت پیامبر به مدینه را داشته است.

با چنین تدابیری که اندیشیده شد، خروج حضرت از مکه، دقیقاً در شبی صورت پذیرفت که اصحاب دارالندوه تصمیم به قتل پیامبر (صلی الله علیه و آله) داشتند و توطئه قتل حضرت با خوابیدن امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در بستر ایشان خنثی گردید. (ابن هشام، بی تا، جلد ۱، صص ۴۸۲-۴۸۳) این اقدام، آن قدر مدبرانه و شجاعت علی (علیه السلام)، آن قدر قابل ستایش و مدح بود که خداوند در آیه شریفه ۲۰۷ از سوره مبارکه بقره، چنین فرمودند: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ». به عقیده بسیاری از مفسرین، این آیه در شأن و مقام این کار خطیر و قابل تحسین امیرالمؤمنین (علیه السلام) نازل شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، جلد ۲، ص ۵۳۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، جلد ۱، ص ۲۰۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰، جلد ۱، ص ۱۰۱) به این صورت، دوران نبوت حضرت در مکه، با مهاجرت ایشان به مدینه پایان یافت.

متعاقب ورود پیامبر اسلام (ص) به مدینه، ایشان به تشکیل حکومت اسلامی مبادرت ورزیدند. ایشان از تشکیل چنین حکومتی به دنبال شالوده‌ریزی نظام اسلامی و ساختن یک الگو و نمونه از حاکمیت اسلام برای تمامی زمان‌ها، مکان‌ها و اعصار تاریخی بودند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۳۵)

یکی از نیازهای تشکیل حکومت، وجود امت و لزوم تربیت افراد بود که ایشان بر اساس بنیادهای مشترک دینی، آن‌ها را در مکه تربیت نمود. همچنین، ایشان در دوره مکه، کوشش مستمری برای تحکیم پایه‌ها و مبانی یا به تعبیری جنبه نرم‌افزار و رفتاری مسلمانان داشت که از طریق پیاده‌سازی اسلام انجام گردید.

تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و تلاش حضرت برای عملیاتی نمودن آموزه‌های اسلامی در جامعه، در سطوح مختلفی در زمانی حدود ۱۰ سال پیگیری شد؛ تلاش در جامعه‌ای که حکومت‌داری در آن، بسیار سخت و دشوار بوده است. پیش از پرداختن به حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص) لازم است تا شرایط سیاسی-اجتماعی موجود در مدینه بیان گردد:

الف) بافت درونی مدینه: ترکیب جمعیتی مدینه در زمان هجرت پیامبر اسلام (ص) به آن، بسیار ناهمگون بوده است و همین امر، باعث ایجاد خطر بر سر راه ثبات سیاسی حکومت ایشان می‌شده است. بافت جمعیتی این شهر متشکل از اکثریت عرب اوس و خزرجی، اقلیت نیرومند یهودی (بنی قینقاع، بنی قریظه، بنی نضیر)، مهاجران مکی (اشراف، بردگان، موالی)، عده‌ای از مهاجرین غیر مکی (نظیر ابوذر، سلمان و ...) بوده است. در این شرایط، اختلافات دیرینه در میان انصار، فقر مهاجرینی که خانه و اموال خویش را در مکه جا گذاشته بودند، رقابت یهودیان با پیامبر اسلام (ص) در جذب مردم و همچنین، شکاف اجتماعی مهاجرین-انصار که هر لحظه امکان فعال‌سازی آن وجود داشت، کار را برای حکومت نبوی دشوار می‌ساخت.

همچنین، عوامل عدیده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اعتقادی، در مقایسه با مکه، به جامعه مدینه هویت و ساختی ویژه بخشیده بود. به عنوان گوشه‌ای از این عوامل، می‌توان به بافت ایلی-شهری مدینه، غلبه معیشت بدوی بر شهرنشینی، تنگناهای شدید مالی، رقابت‌ها، و حضور فعال یهودیان اشاره نمود. مکه به نسبت مدینه، به سبب وجود دارالندوه، فقدان نبردهای درونی، هماهنگی و اشتراک در منابع درآمد و حیات مادی، همگونی کلی در عقاید و در پرستش بت‌ها، همبستگی بیشتری را به خود می‌دید. بنابراین، به نظر می‌رسد عطش تشکیل حکومت در مدینه، بسیار بیش‌تر از مکه بوده

است. گزارشاتی که مدعی هستند در آستانه حضور حضرت در مدینه، اوس و خزرج بر فرمانروایی عبدالله بن ابی بر مدینه توافق کرده بودند، (سبحانی، ۱۳۸۳، ص ۴۳۷) نشانه‌ای از این گرایش به تشکیل حکومت است.

ب) دشمنی‌ها با حکومت پیامبر اسلام (ص): پنج نوع دشمن اصلی در جامعه تازه متولد شده مدینه، امنیت و موجودیت حکومت پیامبر اسلام (ص) را تهدید می‌کرده است. این دشمنان عبارتند از: قبایل نیمه وحشی اطراف مدینه، اشراف مشرک مکه، یهودیان مدینه، منافقین، تمایلات نفسانی مسلمانان. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰) در چنین شرایطی نیاز بود تا ضمن حراست از حکومت، زمینه تکمیل نظام اسلامی فراهم گردد.

۴. الگوی حکمرانی شایسته در حکومت پیامبر اسلام (ص)

الگوی حکمرانی حضرت در دوره مدینه و سیره حکومتی ایشان در رابطه با موضوع مورد نظر را می‌توان چنین بیان نمود:

۴-۱. قانون‌گرایی

جستجوی قانون به معنای امروزی آن در حکومت پیامبر اسلام (ص)، امر آسانی نیست، اما معنای مستتر در قانون و قانون‌گرایی، در حکومت پیامبر اسلام (ص) مشاهده می‌شود؛ معنای قانون‌گرایی عبارتست از به رسمیت شناختن و احترام به هنجارهایی که رابطه میان دولت و شهروندان و شهروندان با یکدیگر را تنظیم می‌نماید. (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۴، ص ۲۶)

قواعد و قوانین حکومت نبوی، شامل قوانین تشریعی و امضایی بوده است؛ منظور از قوانین تشریعی، قواعدی است ریشه آسمانی داشته و برای ایجاد نظام اسلامی و تنظیم روابط اجتماعی مسلمین وضع گردیده بود. اما مراد از قوانین امضایی، قواعدی عرفی و رایج در جامعه بود که به دلیل کارکرد مثبت آن و عدم تعارض با آموزه‌های دین، توسط حضرت پذیرفته شد. آیات قرآن نیز گواهی بر وضع قانون در دوره مدینه است؛ چرا که در آیات مدنی، محتوای قانونی برای اداره نظام اجتماعی بیشتر به چشم می‌خورد. باید توجه داشت که حضرت در وضع قوانین، دو نکته مهم را مدنظر داشته‌اند: ۱. برخی قوانین را باید به تدریج برای مردم بازگو کرد، ۲. قوانین باید به واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام تقسیم شود. قوانین جامعه مدنی، در موضوعات مختلف سیاسی، اقتصادی، حقوقی و جزایی، خارجی، نظامی، خانوادگی و فرهنگی تقسیم می‌شد. شاهکار نظام پیامبر اسلام (ص)، توجه توأمان به قوانین فردی و اجتماعی بوده است. در

واقع، قانون‌گذاری ایشان نه به قلمرو اجتماع منحصر می‌شود، و نه در حوزه فردی باقی می‌ماند. (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۸، صص ۳۲۵-۳۲۶)

یکی از مواضع قانون‌گرایی حضرت را در احترام به صلح حدیبیه می‌توان مشاهده نمود. طرفین در صلح حدیبیه، به ۵ بند متعهد گردیدند: (۱) میان مسلمانان و مشرکین به مدت ۱۰ سال جنگ متوقف گردد؛ (۲) مسلمانان در سفر تجاری یا عمره به مکه، از تعرض مصون باشند و بازرگانان مکه نیز هنگام عبور از مدینه، مورد تعرض مسلمین قرار نگیرند؛ (۳) هر کس از قریش که بدون اجازه سرپرست خویش به مدینه رود، به مکه بازگردانده شود، اما هر کس از مسلمانان به مکه وارد شود، قریش وظیفه‌ای در بازگرداندن او نداشته باشد؛ (۴) بدویان اطراف مکه در انتخاب هم‌پیمانی با مکیان یا مسلمین آزاد باشند و طرفین حقوق هم‌پیمانان را نقض نکنند؛ (۵) مسلمانان در این سال، بدون انجام مراسم، از مکه بازگردند و سال بعد به مدت سه روز و بدون سلاح، برای زیارت وارد مکه شوند. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷۸) جالب است که انعقاد پیمان حتی با مشرکین، دلیلی بر پیمان شکستن و قانون‌شکنی پیامبر اسلام (ص) نمی‌شود. مواردی از پناهنده و مسلمان شدن برخی افراد مکی به مدینه ثبت گردیده که حضرت در پاسخ به خواسته مکیان، آن افراد را بازگردانده است. یکی از این افراد، ابوبصیر عتبّه بن جاریه می‌باشد. (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۲۵)

یکی دیگر از نمونه‌های پایبندی حضرت به صلح حدیبیه، به ماجرای عمره القضاء بازمی‌گردد؛ بر اساس یکی از مواد صلح‌نامه، مسلمانان می‌توانستند پس از یک سال از انعقاد صلح‌نامه، به مکه بروند و عمره به جا آورند و سه روز در مکه بمانند. بنابراین، حضرت در سال هفتم هجری با تعدادی از اصحاب به سوی مکه رفت. در روز چهارم، مشرکین توسط فردی به نام حویطب به ایشان تذکر دادند که می‌بایست مکه را ترک نمایند. برخلاف برخی مسلمانان که از این سخن ناراحت شدند، حضرت نسبت به عهد خود پابرجا ماند. (ابن هشام، بی‌تا، ص ۳۷۲)

علاوه بر شخص پیامبر اسلام (ص)، حتی قانون‌گرایی یک مسلمان برای پیامبر اسلام (ص) تا حدی مهم بوده است که بعد از غزوه خیبر، به سبب اسلام آوردن چوپان خیبر در میانه جنگ، حضرت به سبب اجتناب از خیانت چوپان در امانت، دستور دادند تا گوسفندان اهالی قلعه بازگردانده شود. (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۴۹)

حضور قبیله ثقیف به عنوان یکی از بزرگترین قبایل حجاز در محضر پیامبر اسلام (ص)، شاید از نظر برخی، جوازی برای امتیازات نامشروع دادن به آنان برای مسلمان شدن و

عدول از قانون اسلام باشد، اما پیامبر اسلام(ص) با درایت و تعصبی که به قانون اسلام دارد، این پیشنهاد را نمی‌پذیرد. قبیله ثقیف برای مسلمان شدن خود، دو شرط گذاشته بود که حضرت آن شروط را قبول نکرد. این شروط عبارت بود از: استمرار بت‌پرستی در سه سال و عدم تقید به اقامه نماز. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۴۰)

علاوه بر وقایع مذکور، احادیث متعددی از نبی مکرم اسلام(ص) در رابطه با قانون وفای به عهد در اسلام وجود دارد، از جمله:

- رسول گرامی وفای به عهد و پیمان را از ویژگی‌های مؤمنان برشمرده و فرموده است: کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، باید به وعده خویش وفا کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۴)

- آن حضرت عدم پای‌بندی به عهد و پیمان را مساوی با بی‌دینی دانسته است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹، ص ۱۹۸)

- حضرت علی(ع) در توصیف آن نبی مکرم اسلام(ص) می‌فرماید: از همه مردم، نسبت به آنچه تعهد کرده بود، وفادارتر بود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۱۹۰)^۵

۴-۲. فسادستیزی

وجود فساد در حکومت‌ها امری ممکن است، اما آنچه در ویژگی‌های حکمرانی شایسته آمده است، فسادستیزی است. در واقع حکومت مبتنی بر حکمرانی شایسته سعی می‌کند در برابر سوءاستفاده از قدرت بایستد و با انواع فساد از جمله فساد اخلاقی و مالی مقابله نماید.

سلطنت و فردمحوری علاوه بر اینکه از مبنای با رویکرد اسلامی که قائل به مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی حکومت است، (ملک زاده، ۱۳۸۵ش: صص ۵۴-۵۵) همخوانی ندارد، در طول تاریخ و در عمل نیز نشان داده است که محل مناسبی برای رشد فساد است. پیامبر اسلام(ص) همواره تلاش داشتند تا مشی حکومت نبوی را از این شیوه سلطنتی جدا سازند. نوشته‌اند که خلیفه دوم، روزی به خانه پیامبر اسلام(ص) در مدینه وارد شد و حضرت را در حالی دید که بر حصیری پاره خوابیده بود و حصیر بر پهلوی ایشان رد انداخته بود و اندوخته خوراکی ایشان نیز چیزی جز دو مشت جو و یک مشت تره نبود. (مسلم النیسابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۸۹)

یکی از مواقعی که در حکومت‌ها فساد رخ می‌دهد، زمانی است که حاکم و افراد نزدیک به او، خود را دارای حقی فراتر از دیگران می‌دانند و به خود اجازه می‌دهند از

امکانات حکومتی، استفاده شخصی و بی‌حد و حصر نمایند. اما در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)، مشاهده می‌شود که فشار کمبود امکانات، بیش از هر کسی متوجه ایشان و نزدیکانش است و هیچ امتیاز ویژه‌ای برای خود در نظر نمی‌گیرند. به عنوان مثال، وقتی که با حضور پیامبر اسلام (ص) در مدینه، اقدام به بنای مسجد به عنوان پایگاهی برای حکومت عملی گردید، بسیاری از مسلمانان برای انجام این کار، دست از پا نمی‌شناختند. تلاش غالب مسلمانان در مشارکت ساختمانی هم از شوق آنان حکایت داشت، هم متأثر از مشارکت فعال پیامبر بود. در این میان، پیامبر اسلام (ص) نه تنها در موضع نظارت ننشسته بوده و خود را صاحب حقی فراتر از بقیه نمی‌دید، بلکه بیش از دیگران خود را در این امر مسئول می‌دانست. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۱۵) در مثالی دیگر، می‌توان به غزوه بنی قریظه اشاره نمود که در آن، پیامبر سه اسب یدک همراه داشت، اما برای هیچ کدام از آن‌ها سهمی معین نکرد و خود به برداشتن یک سهم پیاده اکتفا کرد. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۲۲) این سنت آن حضرت بود که در بهره‌مندی از بیت‌المال همواره خود را همپای افراد عادی قرار می‌داد.

ساده‌زیستی، پرهیز از تجمل و عدم دل‌بستگی به مادیات، حتی برای برخی از همسران پیامبر اسلام (ص) دشوار بود و موجب اعتراض آنان می‌شد. همین امر باعث شد تا مسأله تخییر همسران را پیش آید و آن‌ها نسبت به ادامه زندگی با ایشان یا جدایی، مخیر گردند؛ آیات ۲۸ و ۲۹^۷ سوره احزاب، به این مسأله اشاره دارد.

از امام صادق (ع) روایت شده است که وقتی آیه زکات نازل شد، چون یکی از مصارف زکات (عاملین علیها) (یعنی کسانی که به امر جمع‌آوری زکات می‌پردازند) می‌باشد، عده‌ای از بنی‌هاشم خدمت پیامبر آمدند و تقاضا نمودند که به خاطر خویشاوندی جمع‌آوری زکات را به آنان واگذار نماید تا در نتیجه، سهمی از زکات از آن آنان باشد. پیامبر فرمودند: «صدقه و زکات بر من و بر بنی‌هاشم حرام است.» در ادامه فرمودند: «آیا گمان می‌کنید من شما را بر دیگران ترجیح می‌دهم؟» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۸)

۴-۳. شفافیت

آنچه از شفافیت در حکومت‌های مبتنی بر حکمرانی شایسته بیان می‌گردد، تلاش حکومت‌ها در راستای اعلام برنامه و علنی کردن تصمیمات خود است. در واقع، تنها در یک محیط کاملاً شفاف، حکومت می‌تواند اعتماد جامعه را جلب کند و مردم نیز قادر خواهند بود با درک اوضاع، به طور آزادانه تصمیم بگیرند. (یزدانی زنوز، ۱۳۸۸،

ص ۵۱) بنابراین، شفافیت منجر به مشروعیت حکومت و جلب اعتماد اجتماعی خواهد شد. این اتفاق در حکومت پیامبر اسلام (ص) به انجام رسیده است. پیش از وقوع جنگ احد، حضرت راهبرد دفاعی مدینه در برابر مشرکین را در شورای نظامی به بحث و مشورت گذاشت. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۰۲) نگاه حضرت در حوزه حکومت‌داری، نه تنها بر پنهان‌کاری نیست، بلکه با علنی کردن تصمیم خویش، سعی در همراه ساختن افراد دارند.

اعلام جانشینی امیرالمؤمنین علی (ع)، یکی از مواردی است که پیامبر اسلام (ص)، بارها و بارها آن را در میان عموم مردم اعلام کرده و مسأله‌ای به این اهمیت را پنهان ننموده است. لازم به یادآوری است که وجه شفافیت این اقدام زمانی مشخص می‌شود که در تاریخ می‌خوانیم، به خلافت رسیدن سه خلیفه بعد از پیامبر اسلام (ص)، نه تنها با اطلاع قاطبه مردم نبوده است، بلکه به صورت تحکمی و در برخی موارد با توسل بر زور و اجبار همراه بوده است.

البته در برخی اقدامات نظیر سریه عبدالله بن جحش در سال دوم هجری (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۳) یا فتح مکه در سال هشتم هجری (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۹۶)، طراحی عملیات پنهانی را نباید به عنوان موارد تناقض شفافیت در حکمرانی پیامبر اسلام (ص) دانست. این روش از اقتضات جنگ است تا دشمن غافل‌گیر شده و فرصتی برای بسیج نیرو و مقاومت نظامی نداشته باشد. چنانچه با بررسی شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی در آستانه شروع غزوه تبوک، حضرت به بیان جزئیات این برنامه پرداختند. در این غزوه، پیامبر اسلام (ص)، برای به تحرک و داشتن جامعه و بسیج اجتماعی جهت همراهی با این مأموریت الهی، دچار سختی بوده اند. (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۶۴۵) بنابراین حضرت در ابتدای شروع غزوه، سختی مسیر و مشقت‌های احتمالی را بیان فرمود.

۴-۴. رفق و مدارا

تلاش پیامبر اسلام (ص) در تمام دوران رسالت و به طور خاص، در دوره حکومت در مدینه بر این بوده است که اطاعت و پیروی افراد از آموزه‌های اسلام، مبتنی بر عقلانیت و اراده و اختیار بوده باشد. این هدف نیز جز با رفق و مدارا با مردم امکان‌پذیر نبوده است. قرآن کریم در آیه ۱۰۷ از سوره انبیاء پیامبر اسلام (ص) را رحمة للعالمین می‌خواند.^۸ به همین سبب است حتی آنجایی که حضرت ناچار به مقابله نظامی با دشمن

بودند، نمایش صلح طلبی و رفق از اصول رفتاری ایشان بوده است. رفق و مدارای حضرت هم در برابر عامه مردم بوده است، هم نسبت به موافقان و نزدیکان و هم در برخورد با مخالفان. غفلت از این ماجراها، سیره پیامبر اسلام (ص) را به داستان جنگ‌ها تبدیل کرده است. در ادامه، به چند نمونه از این موارد اشاره می‌شود:

- یکی از مظاهر مهم رفق و مدارا در سیره حکومتی حضرت، انعقاد پیمان همزیستی مسالمت‌آمیز حضرت با یهودیان در سال اول هجرت است که طبق آن، مادامی که طرفین به پیمان خود وفادار باشند، می‌توانستند به صورت مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر زندگی کنند. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، صص ۵۰۱-۵۰۴)
- پس از پایان خیبر، حضرت با سرزنش بلال که اسیران را از کنار کشتگان آنها عبور داده بود، چنین فرمود: بلال مگر در وجود تو رحم از میان رفته است؟ (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۷۳)
- یعقوبی در بیان اتفاقات سال هفتم هجری آورده است: «چون از بیچارگی و نیازمندی و سختی و قحطی اهل مکه خبر یافت، برای آنان با عمرو بن امیه ضمری مقداری بیش یا کم طلا فرستاد و باو فرمود که آن را به ابو سفیان بن حرب و صفوان بن امیه بن خلف و سهیل بن عمرو بسپارد و سه بخش سه بخش پراکنده‌اش سازد، پس صفوان بن امیه و سهیل بن عمرو از گرفتنش امتناع ورزیدند و ابو سفیان تمامش را گرفت و بر بینویان قریش بخش کرد، و گفت: خدای برادرزاده‌ام را پاداش نیک دهد، چه با خویشاوندان خویش نیکو کار است.» (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶) این اتفاق را می‌توان گام دیگری برای نمایش رفق و مدارای نبی مکرم اسلام (ص) دانست.
- حضرت در ماجرای فتح مکه که به علت پیمان‌شکنی مشرکین و نقض صلح حدیبیه اتفاق افتاد، (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۸۹) به جای انتقام، مقرر فرمود تا خانه ابوسفیان محل امن اعلام شده و هر که در آن خانه پناه گیرد، امنیت یابد. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۰۳)
- در پایان سال ششم هجری، پیامبر اسلام (ص) عزم سفر عمره به سوی مکه کرد و در قالب دو کار، پیام صلح خویش را به نمایش گذارد: همراه بردن شتران قربانی و محرم شدن مسلمانان در نزدیکی مدینه، در محلی به نام ذی‌الحلیفه. (قرشی، ۱۳۸۰، صص ۲۸۵-۲۸۶)

البته باید توجه داشت رفق و مدارا نباید موجب از بین رفتن مرزبندی میان مسلمانان و مشرکین بشود. به همین جهت خداوند در قالب نزول سوره براءت، به پیامبر دستور داد تا ابلاغ آن در جمع حجاج را به علی(ع) واگذار کند. (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۹۷) همچنین، در آیه ۲۸ سوره آل عمران، مسلمانان از ایجاد رابطه ولایی با اهل کتاب برحذر داشته شده‌اند. در این آیه آمده است:

«مؤمنان نباید کفار را به جای مؤمنان دوست و یاور و سرپرست بگیرند، و هر کس چنین کند در هیچ رابطه‌ای با خدا نیست، مگر آنکه بخواهید از آنان به نحوی تقیه نمایید. و خدا شما را از (عذاب) خود بر حذر می‌دارد، و بازگشت (همه زنده‌ها) به سوی خداست.»

در واقع، رفق و مدارای حضرت تا زمانی بوده است که طرف مقابل، از این کار سوءاستفاده نکرده و علیه امنیت اسلام و مسلمین اقدام نکند. مواردی در سیره حضرت وجود دارد که ایشان، برخلاف رفق اولیه، پس از روشن شدن توطئه طرف مقابل، با آنان برخورد جدی نموده است. به عنوان مثال، اقدام بنی‌نضیر برای قتل پیامبر اسلام(ص)، باعث جنگ با آنان شد. (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۳، صص ۱۷۶-۱۷۷) و یا خیانت بنی‌قریظه در غزوه احزاب، و پذیرفتن یکی از فعالان بنی‌نضیر^۱ که نقش اساسی در کشاندن احزاب به سوی مدینه داشت، باعث شد تا پیامبر اسلام(ص) با این گروه از یهودیان، برخورد جدی داشته باشد. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، صص ۴۵۴-۴۵۵) همچنین، در آستانه غزوه تبوک، برخی منافقین مدینه با همراهی مردی یهودی به نام سویلم، قصد تحریک مردم مبنی بر عدم همراهی با حضرت را داشتند که حضرت فرمان داد تا طلحه به همراه چندتن از مؤمنان به سراغ خانه سویلم رفته و خانه را بر سر متحدان منافق و یهودی خراب کنند. (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۵۱۷)

۴-۵. عدالت محوری

حکومت نبی مکرم اسلام(ص) در بستری اجتماعی به وقوع می‌پیوندد که در آن، آداب دوره پیش از اسلام که بخش قابل توجهی از آن مبتنی بر جهل بود، رواج داشته است. به عنوان مثال، نظام تبعیض آمیزی در این منطقه در جریان بوده، به گونه‌ای که جامعه به دو بخش آزاد و برده تقسیم می‌شده است. همچنین، فقر شدید میان برخی از اعضای جامعه مدینه وجود داشته است. ضعف بنیه مالی مهاجرین به حدی بود که غالب آنان، حتی برای سکونت، به خانه‌های انصار وابسته بودند. تعدادی از آنان نیز که به اهل صفة

اشتهار داشتند، روز و شب خویش را در مسجد پیامبر و گاه در مساجد دیگر می‌گذراندند. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۹۶)

با این شرایط، تلاش حضرت در راستای تحقق عدالت، قابل توجه است. عدالت در تاریخ بشر، همواره به دو حوزه قضاوت و توزیع امکانات تقسیم شده است. اما در حکومت پیامبر اسلام (ص)، تمام تلاش ایشان بر این بوده است تا علاوه بر فهم متعارف از عدالت، خوی عدالت‌خواهی در آحاد امت اسلامی به وجود آید. همچنین، مفهوم عدالت در نگاه ایشان، بسط مفهومی یافته است؛ تعیین عدالت به عنوان شرط قضاوت، شرط امامت نماز و ضرورت ملکه عدالت برای پیشوای سیاسی جامعه، از مصادیق این بسط معنایی است. (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۸، صص ۳۳۳-۳۳۴) بحث از عدالت، آنچنان مهم است که خداوند در آیه هفتم سوره حشر صراحتاً به ضرورت گردش ثروت میان تمام مسلمین اشاره کرده و از سیاست تمرکز و تکاثر یا چرخش ثروت میان اغنیای جامعه انتقاد می‌کند.^{۱۱}

حضرت در موارد متعددی نسبت به تأمین عدالت در جامعه کوشیده‌اند. به عنوان مثال، بعد از جنگ بدر، حضرت با ابلاغ قانون اقتصادی انفال، گامی به سوی عدالت اقتصادی و بهره‌مند کردن عادلانه همه مسلمانان از امکانات مالی موجود در کشور اسلامی برداشت. در کنار قانون انفال، ایشان در حوزه نظام اقتصادی اسلامی، برخی آموزه‌های دیگر را میان مسلمانان رواج داد. قانون خمس گامی دیگر در تحقق عدالت اقتصادی بوده است. برخلاف علمای اهل سنت که خمس را صرفاً به غنایم جنگی منحصر می‌دانند، دیدگاه علمای شیعه در مورد خمس، اعم از غنایم جنگی است. (قرشی، ۱۳۸۰، صص ۱۰۳-۱۰۶) همچنین، پیامبر (ص)، غنائم غزوه بنی‌نضیر را که بدون جنگ گرفته شد و به حکم قرآن متعلق به شخص ایشان بود، میان مهاجرین که دستشان از ثروت خود در مکه کوتاه بود تقسیم نمود و از این غنائم، سهمی نیر به دو تن از انصار به نام‌های سهل بن حنیف و ابودجانه که بسیار تهی دست بودند بخشید. (سبحانی، ۱۳۸۳، صص ۵۸۹-۵۹۰) این اقدام را می‌توان کوششی از جانب رسول خدا (ص) برای برقراری عدالت در جامعه نبوی دانست.

البته نباید چنین پنداشت که سنت‌های تبعیض‌آمیز در جامعه با حضور پیامبر اسلام (ص) پایان یافته است. تلاش‌های فراوان حضرت، اوضاع را بسیار بهتر از قبل گردانید، اما این کار به معنای ریشه‌کن شدن تبعیض نبوده است. بهبود وضع اقتصادی مردم، حتی

در دوره حکومت ایشان گاهی به گرایش تبعیض‌آمیز مردم می‌انجامید که توسط پیامبر اسلام(ص) تنظیم و مدیریت می‌شد.

۴-۶. مشارکت طلبی

هرچند پیامبر اسلام(ص) ذاتی معصوم و عاری از خطا و اشتباه بوده و بهترین تصمیمات را می‌گیرد، اما با این حال، در مواقع متعددی در تاریخ، شاهد مشورت ایشان با دیگران هستیم. این مشورت‌گیری نه از باب علم‌اندوزی، بلکه به سبب بیان اهمیت مشورت در میان مسلمین است. جنبه دیگر مشورت، تحقق جنبه مردمی حکومت اسلامی است. اگر چه به اعتقاد شیعه، مشروعیت رهبر و حکومت فقط از جانب خداوند مشخص می‌شود و مردم نقشی در مشروعیت بخشی به آن ندارند بلکه به پذیرش آن مکلف می‌باشند، اما این تکلیف مانند دیگر تکلیف‌های شرعی الهی، به مقام تشریح و قانون‌گذاری مربوط است؛ در حالیکه خداوند در مقام تکوین، کسی را مجبور به اطاعت نکرده، بلکه اجازه داده تا با اراده و اختیار خود عمل کنند. در نهایت، این مردم هستند که با اراده و خواست خویش، رهبر یا حکومت مورد رضایت الهی را قبول نموده و یاری می‌کنند. (ملک زاده، ۱۳۸۵ش: صص ۵۴-۵۵) بنابراین، طبق مبانی شیعه، اصل ولایت، هم در مرتبه انشا و هم در مرتبه فعلیت، متوقف بر نصب الهی است، ولی جواز اعمال آن، متوقف بر آماده‌سازی زمینه‌های اجتماعی و استقبال عمومی می‌باشد. (جعفرپیشه‌فرد، ۱۳۷۹: ۸۳)

اساس اندیشه پیامبر اسلام(ص) آن بود که در اموری که فرمان صریح الهی وجود نداشت، صحابه را به سوی مشورت و تدبیر و تأمل سوق دهد. ابن ابی‌الحدید از قول علی(ع) در اوصاف جنگ بدر آورده است که پیامبر(ص) در این جنگ، با توجه به نظر و اصرار مسلمانان، سرنوشت اسیران جنگی را به دریافت فدیه ختم نمود. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۱۷۲) و یا اینکه پیش از وقوع جنگ احد، حضرت استراتژی دفاعی مدینه در برابر مشرکین را در شورای نظامی به بحث گذاشت. هرچند پیامبر اسلام(ص) و بزرگان صحابه به اتخاذ موضع دفاعی در مدینه رأی دادند، اما جوانان مسلمان به جنگ در بیرون مدینه اصرار کردند و نهایتاً، پیامبر اسلام(ص) نظر آنان را پذیرفت. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۰۲) چنین رویه‌ای از پیامبر اسلام(ص) بی‌شک سبب دل‌بستگی بیشتر مردم به حکومت اسلامی می‌شده است.

۴-۷. اثربخشی

اثربخشی در ادبیات کنونی علوم سیاسی، با مفهوم کارآمدی مقارن است. در بیان کارآمدی، می‌توان آن را نحوه مدیریت جامعه و ایفای صحیح نقش حکومت در این رابطه دانست. در این راستا، حکومت باید به سه امر مهم مبادرت ورزد: ۱. تغییر مثبت ذهنیت، به گونه‌ای که افراد جامعه، آن حکومت را کارآمد بدانند، ۲. تثبیت موقعیت خود در جامعه که بخشی از آن به ایجاد اقتدار جغرافیایی و حقوقی مربوط است و بخش دیگر، به ایجاد و ترسیم عقلانیت و منطق در جامعه، ۳. تولید ظرفیت که از طریق عمومی‌سازی فرهنگ مطلوب، نهادسازی و مدیریت صحیح بحران‌ها صورت می‌پذیرد. (همایون، ۱۳۸۷)

الف) حضرت در مقام تغییر ذهنیت‌هایی که تربیت یافته عصر جاهلیت بودند، مصائب فراوانی را به جان خرید. این ذهنیت‌ها در ابتدای کار، نیازمند توجه بسیار مضاعفی بود. به عنوان مثال، با توجه به ناهمگونی جامعه مدینه، اگر پیامبر سیاست خاصی را برای عدم تحریک تعصبات درون جامعه پیش نمی‌گرفت، چه بسا سرور استقبال پیامبر اسلام (ص)، جای خود را به جنگ و نزاع می‌داد. نقل است آن هنگام که حضرت وارد مدینه شد، محل استقرار خود را چنین مشخص نمود که زمام شتر را رها نمایند، هر جا که شتر زانو زد، همانجا فرود خواهند آمد. (بلاذری، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۶۶) در واقع، هر تصمیم دیگری جز این تصمیم، ممکن بود میان اوسیان و خزرجیان را که به افسار شتر چنگ زده و تلاش می‌کردند میزبان پیامبر باشند، به هم بزنند. اما باید توجه داشت که تحمل تمام این سختی‌ها، نتیجه‌ای شیرین و مسرت‌بخش در رفتار مسلمانان داشته است که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

- در جنگ احد، آنگاه که پیامبر اسلام (ص) مسلمانان را به سوی جنگ فرا خواند، گروهی از جمله سعد بن خثیمه و پدرش ایشان را اجابت کردند. در این حال، چون پدران و پسران حاضر نبودند تا یکی به نفع دیگری در مدینه بماند، به کشیدن قرعه متوسل شدند. (سبحانی، ۱۳۸۳، صص ۵۲۹-۵۳۰)
- در جنگ نتیجه غزوه بنی مصطلق در سال ششم هجری، پیروزی مسلمانان و اسارت شمار زیادی از مردان و زنان آنان بود. در این بین، حضرت با جویریّه، دختر حارث رئیس قبیله، ازدواج نمود تا مسلمانان، خویشاوندان همسر پیامبر را آزاد نمایند. (ابن هشام، بی تا، ج ۲، صص ۲۹۵-۲۹۷)

- در جریان لشکرکشی به سمت بدر، عمیر بن ابی وقاص به علت قلت سن خود را از چشم پیامبر اسلام (ص) مخفی می‌کرد. واقدی می‌نویسد علی‌رغم تلاش عمیر، پیامبر او را دید، اما با اصرار و گریه شدید عمیر که شانزده ساله بود، سرانجام حضرت درخواست او را پذیرفت و عمیر در صف رزمندگان بدر و شهدای این جنگ قرار گرفت. (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۱)

ب) در مقام تثبیت موقعیت، حضرت به صورت کاملاً هوشمندانه عمل فرمود. ایشان با ورود به مدینه، به این نکته توجه خاصی داشت که هر چند حضور ایشان در مدینه، می‌تواند وحدتی نسبی و کوتاه‌مدت را به دنبال داشته باشد، اما اگر در این رابطه تصمیمی اتخاذ نگردد، ممکن است در درازمدت بحران‌آفرین باشد. شکاف میان مهاجرین و انصار از یک سو و همچنین حضور اقلیتی از یهودیان و مشرکین در مدینه از سوی دیگر، ممکن بود تعارضات جدی در جامعه ایجاد نماید. بنابراین، حضرت با اتحادی سیاسی که میان مسلمانان و گروه‌های دیگر ایجاد نمود، فضای اجتماعی مدینه را مدیریت فرمود. وضع قانون همزیستی مسالمت‌آمیز و عدم تعرض در مدینه، تلاشی در راستای نهادسازی در حکومت نوپای اسلامی محسوب می‌شد که به تعبیر مرحوم شهیدی، می‌توان آن را نخستین قانون اساسی در اسلام نامید. (شهیدی، ۱۳۶۹، ص ۶۳)

همچنین، پیمان برادری میان مهاجرین و انصار نیز راهی عاقلانه در راستای مدیریت اجتماعی مسلمین محسوب می‌گردید. ایشان با بهره‌گرفتن از قالب‌های همبستگی سنتی و ریختن محتوای جدید در آن قالب‌ها، هم در زدودن ستنهای جاهلی گام برمی‌دارد، هم اینکه از شکل و قالب سنت‌ها برای تعمیق همبستگی میان مسلمانان استفاده می‌نماید. کارکرد عقد اخوت را می‌توان در این موارد دانست: (۱) مساعدت و یاری هم‌دیگر در دشواری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، (۲) مراقبت متعصبانه از یکدیگر در میدان‌های جنگ، (۳) احساس مسئولیت نسبت به خانواده‌های یکدیگر پس از شهادت یا مرگ طبیعی، (۴) یاری متقابل به هنگام بیماری یا تنگدستی، (۵) کوشش متعصبانه نسبت به آزادی یکدیگر به هنگام اسارت. (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۸، صص ۳۴۹-۳۵۰)

از جمله اصول و محورهای این قانون اساسی، می‌توان به مواضع معین سیاسی-نظامی در مقابل دشمن، قواعد مربوط به هم‌پیمانی با اعضای خارج جامعه و مقررات پرداخت دیه مقتولین و تدارک مالی جنگ‌ها اشاره نمود که به نظر می‌رسد مهمترین مفاد موجود در متن این قانون، احترام به عقاید مخالف و شناسایی حقوق اقلیت‌های دینی باشد.

یکی دیگر از موارد این پیمان، حرم اعلام کردن مدینه و در واقع، تثبیت قلمروی حکومتی پیامبر اسلام (ص) بوده است. نقل است که مکتوبی همواره نزد علی (ع) از پیامبر اسلام (ص) بوده که در آن نوشته شده بود: «بسم الله الرحمن الرحيم. محمد فرستاده خداست. هر پیامبری را حرمی است و حرم من هم مدینه است.» (احمدی میانجی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۴) حضرت در کنار تعیین قلمرو حکومت، دستور به سرشماری از مسلمانان را نیز داده است. (محمد، ۱۳۷۴، ص ۱۱۳) تمام این تلاش‌های حضرت را می‌توان در راستای تثبیت حکومت اسلامی دانست.

ج) تولید ظرفیت در جامعه اسلامی، در حوزه مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دنبال می‌شده است. حضرت در تمام این حوزه‌ها، با رعایت اصل نهادسازی و ایجاد فرهنگ مطلوب، نیاز جامعه تحت حکومت خود را به بهترین وجه پاسخ می‌داده است.

یکی از تلاش‌های حضرت در زمینه اجتماعی، تضعیف نهاد برده‌داری و جایگزین ساختن نهادی اسلام در حوزه اجتماع بوده است. هرچند سیاست پیامبر اسلام (ص) از همان آغاز، آزاد کردن بردگان بود، اما این سیاست به صورت تدریجی اعمال شد تا آنان پس از آزادی به سبب فقر، مجدداً تن به بردگی ندهند. (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۸، ص ۴۸۴). بر این اساس، می‌توان انعقاد پیمان برادری میان سلمان و ابودرداء انصاری (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۶۷) را مخالفت عملی بسیار آشکاری با باور به برتری نژاد عرب دانست. همچنین، ایشان در حوزه همبستگی اجتماعی، قبله مسلمین را تغییر داد. وحدت قبله مسلمین با یهودیان، هم تفاوت‌ها را مبهم می‌کرد، هم به استقلال مسلمانان لطمه می‌زد و البته، یهودیان نیز از آن سوءاستفاده می‌کردند لذا با نزول آیات ۱۴۲ تا ۱۴۴ بقره، پیامبر اسلام (ص) قبله را به سوی کعبه عوض گردانید. علاوه بر این موارد، باید گفت حضرت در حوزه همبستگی اجتماعی، صرفاً متوجه جمعیت مسلمان نبوده است، بلکه شهروندان جامعه اسلامی را نیز در نظر داشته است. مدارکی در دست است که پیامبر اسلام (ص) در دوره اقتدار دولت مدینه، برخی از زمین‌های متعلق به مسلمانان را به بعضی از بزرگان و شیوخ عرب و گاه به یهودیان واگذار می‌کردند. (محمد، ۱۳۷۴)

اما در بعد اقتصادی باید گفت از ضرورت‌های تحقق حکومت اسلامی، سامان دادن به مناسبات اقتصادی، تدارک منابع درآمد برای سیاست‌های دولت و بهسازی حیات اقتصادی جامعه است. این ضرورت در جامعه مدینه که بخشی از آن را مهاجرینی فقیر

و بدون سرمایه تشکیل می‌دادند، بیش از هر حکومت دیگری بود. البته در میان انصار نیز قطعا انسان‌های ضعیف و تهیدستی یافته می‌شد. بنابراین قانون پرداخت زکات برای زدودن نابرابری‌های اقتصادی در جامعه ابلاغ گردید همچنین با دستور پیامبر اسلام (ص)، مسلمانان موظف بودند در پایان ماه مبارک رمضان، زکات فطره بپردازند که این دستور نیز کوششی برای مساعدت به نیازمندان مدینه بوده است. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۹۱) البته اقدامات حضرت صرفا به کمک و انفاق ثروتمندان به تهیدستان خلاصه نمی‌شود. پیامبر اسلام (ص) برای رونق زندگی اقتصادی مسلمانان در مدینه و استقلال تدریجی آنان از بازارها و فروشندگان یهودی و مشرک، دستور دادند مسلمانان نیز در چند نقطه مدینه بازارهایی دایر کنند. (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۸، ص ۴۷۹) مقرر شد تا از دکان‌داران مالیات گرفته نشود. به نظر می‌رسد که مقصود از این دستور، حمایت از دکان‌داران و زمینه‌سازی برای رشد بازار مسلمین در مقابل بازارهای یهودی و مشرک بود.

در پایان سال ششم هجری و پس از امنیت ناشی از صلح حدیبیه، حضرت به فعال‌سازی نهاد سیاست خارجی خویش مبادرت می‌ورزد و نمایندگان را به همراه نامه‌هایی به سوی حکام محلی و فرمانروایان می‌فرستد. فارغ از اینکه این فعالیت نتیجه‌ای دارد یا خیر، می‌توان گفت این کار تلاشی در جهت بسط وظیفه رسالت، یعنی تبلیغ دین بوده است؛ وظیفه‌ای که حکومت اسلامی نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد و باید کارآمدی خویش را در این زمینه اثبات نماید. (قرشی، ۱۳۸۰)

۴-۸. پاسخگویی

پاسخگویی نظام اسلامی موجب افزایش مشروعیت آن خواهد شد. مشروعیت سیاسی، عموما با حقانیت نظام سیاسی مربوط است. البته این حقانیت در نظام اسلامی معنای موسع‌تری نسبت به تعاریف موجود پیدا می‌کند. تعاریف موجود از مشروعیت سیاسی، آن را به نوع نگرش مردم و همراهی و رضایتمندی آنان از حکومت اطلاق می‌کنند؛ به گونه‌ای که جان لاک به عنوان پدر جریان لیبرالیسم، لازمه حکومت کردن را تقید به رضایتمندی می‌زند. (راش، ۱۳۷۷: ۵۶) هرچند در نگاه اسلامی، رضایتمندی مردم از حکومت اسلامی، بخشی از مشروعیت سیاسی حکومت محسوب می‌گردد، اما در هر حال به این رضایتمندی توجه شده است. بنابراین، اگر حکومت نسبت افکار عمومی

پاسخگو نباشد و انتقادات احتمالی را نشنود، مشروعیت یا به بیان بهتر، مقبولیت خود را، رفته رفته از دست خواهد داد.

البته پاسخگویی در برابر انتقادات، نیازمند تحمل و صبر بالای فرد در برابر نظر مخالف است. در سیره پیامبر اسلام (ص)، چنین صبری به وفور مشاهده می‌شود. نقل مشهوری که اشاره به مشورت خواستن حضرت، پیش از وقوع جنگ احد دارد، (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۰۲) این مطلب را می‌رساند که حضرت، دیدگاه جوانان را که اتفاقاً مخالف با نظر پیامبر اسلام (ص) بود، شنید و حتی پذیرفت. خلق و خوی حضرت در شنیدن حرف مخالفان و منتقدان در جریان مباحثه با مسیحیان نجران نیز یکی دیگر از مصادیق تحمل بالای حضرت است.

اما یکی از اتفاقاتی که نشان از انتقادپذیری و پاسخگویی حضرت دارد، ماجرای افک است. نقل است هنگام بازگشت از غزوه بنی مصطلق، یکی از همسران پیامبر اسلام (ص) که طبق نقل مشهور عایشه و طبق برخی نقل‌های دیگر، ماریه قبطیه بوده است، از کاروان جا ماند و در همان محل ماند تا پیامبر متوجه غیبت او گردیده و به سراغش آید. زمانی نگذشته بود که صفوان بن معطل سلمی نیز که از سپاه عقب مانده بود، از راه رسید و همسر پیامبر را به سپاه رساند. در این میان، تهمت‌های تعدادی از مردان و زنان بیمار دل، همسر پیامبر اسلام (ص) در مظان اتهام و تهمت قرار داد. در این میان، رفتار پیامبر اسلام (ص) قابل توجه است. ایشان با شنیدن تمام انتقادات، با صبوری و وقار به جستجو و تفحص برای روشن شدن صدق و کذب ادعاها برمی‌خیزد. (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۸، ص ۴۹۳)

نقل دیگر در رابطه با پاسخگویی پیامبر (ص)، به اقدام ایشان برای تقسیم غنائم پس از غزوه حنین و طائف بازمی‌گردد. نقل است که حضرت، غنائم جنگی را میان قریش و قبایل عرب تقسیم کرد و انصار از غنیمت بی‌بهره ماندند. در جواب اعتراض برخی انصار و توصیه پیامبر بر رعایت عدالت، پیامبر خدا (ص) فرمود: «ویحک اذا لم یکن العدل عندی فعند من یكون!؟» اگر عدل نزد من نیست پس نزد کیست؟ آنگاه ایشان مطالب ارزنده‌ای بیان فرمود که: «الا ترضون یا معشر الانصار ان یذهب الناس بالشاء و البعیر و ترجعوا برسول الله الی رحالکم؟» نمی‌خواهید این مردم گوسفند و شتر با خود ببرند (و با آن دلخوش باشند) و شما رسول الله را با خود ببرید؟ (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۹) بنابراین، حضرت در مقابل اعتراضات به تندی برخورد نفرموده، بلکه در برابر پرسش مردم پاسخگو بوده است.

۵. نتیجه‌گیری

نحوه حکمرانی بر جوامع و شکل دهی یک حکومت مبتنی بر مؤلفه‌های اثرگذار و صحیح را می‌توان از جمله پرسش‌های اساسی در علوم اجتماعی رایج دانست که بر این اساس نیاز است اندیشمندان این حوزه در رابطه با مسأله مذکور پژوهش‌های عمیق و جدی داشته باشند. مکتب و حیانی و متکامل اسلام نیز در راستای تحقق رسالت جهانی خویش، باید بتواند نسبت به این موضوعات اظهار نظر کند که این امر جز از طریق رجوع به مبانی دینی و انجام مطالعات میان‌رشته‌ای امکان‌پذیر نیست. به همین سبب است که در موضوع یادشده، رجوع به سیره پیامبر اسلام (ص) از اهمیت وافری برخوردار است. البته توجه به این نکته بسیار مهم است که نباید از سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص) در جامعه مدینه، انتظار تطبیق با نظریات قرن بیستم و بیست و یکم را داشت. چرا که بخشی از این رفتارها متناسب با الگوی جامعه آن روز است که باید با اقتضائات کنونی هماهنگ شود و همچنین نباید از این مطلب غفلت نمود که قسمتی از ضرورت‌های کنونی بشر، ناشی از احساس نیازی کاذب است و راه درست نه در پاسخ به این نیازها، بلکه در نشان دادن این انحراف خواهد بود. با این حال، هم در صورت بندی مفهومی و هم در محتوا می‌توان اطلاعات مفیدی را برای حل بحران و نزاع‌های فکری بشر کنونی پیشنهاد داد.

در حوزه نظریات مرتبط با حکمرانی شایسته، با سه الگوی بازآفرینی دولت، خدمات عمومی جدید و مردم‌سالار برخوردار می‌شود که به نظر می‌رسد الگوی دولت مردم‌سالار، مطابقت بیشتری با منبع مورد بررسی یعنی سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص) داشته باشد. این الگو، مردم‌سالاری، مشارکت‌جویی، پاسخ‌گویی، اثربخشی، کارآفرینی و عدالت‌محوری را به عنوان مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در نظر می‌گیرد که به نظر می‌رسد جامع‌تر از دو دیدگاه پیشین باشد. اما با رجوع به سیره معصومین (ع) و با توجه به مطالعاتی که در این زمینه و در حوزه سیره‌پژوهی صورت گرفته است، می‌توان مؤلفه‌های حکمرانی شایسته را بدین شکل اصلاح نمود: قانون‌گرایی، فسادستیزی، رفق و مدارا، عدالت‌محوری، مشارکت‌طلبی، اثربخشی، پاسخ‌گویی.

تلاش حضرت برای تحقق یک حکمرانی شایسته، با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه آغاز شده است که می‌توان به شرح زیر آورد:

- در حوزه قانون‌گرایی، حضرت ضمن وضع قوانین لازم در جامعه مدینه، خود، اطرافیان و تمامی مسلمانان را به رعایت و احترام به قانون سفارش نموده است.

- در واقع، ایشان پیگیر به رسمیت شناختن و احترام به هنجارهایی بوده‌اند که رابطه میان دولت و شهروندان و شهروندان با یکدیگر را تنظیم می‌نمود.
- حضرت در حوزه حکومت‌داری، نه تنها با فسادهای مختلف مالی و اخلاقی و ... مقابله نموده، بلکه هیچ‌گاه برای خود و نزدیکان، حقی ویژه‌ای قائل نبود و در برابر سوءاستفاده از قدرت ایستادگی می‌کرد.
- حضرت در مقام حاکم جامعه اسلامی، همواره در راستای اعلام شفاف برنامه‌ها و علنی کردن تصمیمات خود گام برمی‌داشت. البته تصمیمات پنهان نظامی، نباید وجه تناقض این ادعا باشد. عقلانیت اقتضا دارد در برنامه‌های نظامی، اصول حفاظت رعایت گردد.
- حضرت هم در ارتباط با عامه مردم، هم نسبت به موافقان و نزدیکان و هم در برخورد با مخالفان، با رفق و مدارا برخورد می‌کرده است؛ چرا که رسالت ایشان مبتنی بر تبلیغ دین بود و امر تبلیغ جز از طریق بها دادن به انتخاب و اراده افراد و پیگیری مسیر رفق و مدارا میسر نخواهد شد.
- سیره پیامبر اسلام (ص)، نه تنها محقق‌کننده معنای عرفی عدالت در میان بشر، یعنی عدالت در حوزه قضاوت و توزیع امکانات بوده است، بلکه در سیره ایشان بسطی معنایی یافته است. حضرت در کنار این فعالیت‌ها به دنبال ایجاد روح عدالت‌طلبی در میان مردم بوده‌اند.
- اساس اندیشه پیامبر اسلام (ص) بر این بوده که در اموری که فرمان صریح الهی وجود نداشت، صحابه را به سوی مشورت و تدبیر و تأمل سوق دهد. این امر به عنوان تحقق جنبه مردمی حکومت و سبب دل‌بستگی بیشتر مردم به حکومت اسلامی می‌شده است.
- حکومت پیامبر اسلام (ص) در حوزه اثربخشی تغییر مثبت ذهنیت، تثبیت موقعیت خود در جامعه و همچنین با تولید ظرفیت که از طریق عمومی‌سازی فرهنگ مطلوب، نهادسازی و مدیریت صحیح بحران‌ها صورت می‌پذیرد، به اثربخشی اجتماعی پرداخته است.
- اگر حکومت نبوی با حساسیت و اهتمامی که نسبت به افکار عمومی دارد، سعی دارد تا نسبت به سؤالات و انتقادات مردم پاسخگو باشد. نتیجه این رویه، افزایش مقبولیت خواهد بود.

پی‌نوشت

- ۱ (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا) (سوره احزاب، آیه ۲۱)
- ۲ سازمان ملل متحد، ویژگی‌های حکمرانی شایسته را در مقاله ای تحت عنوان «حکمرانی شایسته چیست؟» بیان نموده است.
- ۳ «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُفِ إِذَا وَعَدَ»
- ۴ «لَا دِينَ لِمَن لَاعَهَدَ لَهُ»
- ۵ «كَانَ أَوْفَى النَّاسِ بِذِمَّتِهِ»
- ۶ (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا)
- ۷ (وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا)
- ۸ (وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)
- ۹ (لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتًا وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ)
- ۱۰ حَبِيبِ بْنِ أَخْطَبٍ
- ۱۱ (مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ).

کتاب‌نامه

- قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مشکینی.
- ابن ابی الحدید (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، به تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ اول.
- ابن اثیر (۱۴۰۹)، أسد الغابۀ فی معرفۀ الصحابۀ، بیروت: دار الفکر.
- ابن سعد (۱۴۱۰)، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ط الأولى.
- ابن کثیر (۱۴۰۷ق)، البدایة و النهایة، بیروت: دار الفکر.
- ابن هشام (بی تا)، السیره النبویة، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت: دار المعرفه.
- احمدی میانجی، علی (بی تا)، مکاتیب الرسول، اصفهان: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).
- استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۲)، جهانی شدن و مسائل آن، ترجمه حسن گلریز، تهران: نشر نی.
- بلاذری، انساب الأشراف، تحقیق محمد باقر محمودی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ط الأولى.

مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص) ۲۷

- جعفرپیشه فرد، مصطفی، «خاستگاه حکومت علوی، الهی یا مردم؟»، فصلنامه حکومت اسلامی (ویژه نامه حکومت علوی)، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۹ش، صص ۴۷-۸۷.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۶)، *سیره رسول خدا (ص)*، قم: انتشارات دلیل ما.
- خامنه‌ای، [آیت‌الله] سید علی (۱۳۹۰)، *انسان ۲۵۰ ساله*، تهران: انتشارات صهبا.
- درخشه، جلال و جبار شجاعی (۱۳۹۴)، «شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه و عمل امام علی (ع)»، پژوهش‌های علم و دین، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۱۱، صص ۱۷ تا ۳۶.
- راش، مایکل (۱۳۷۷ش)، *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۸ش)، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- سبحانی، [آیت‌الله] جعفر (۱۳۸۳)، *فروع ابدیت: تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم (ص)*، قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- شریف‌زاده، فتاح و رحمت‌الله قلی‌پور (۱۳۸۲)، «حکمرانی خوب و نقش دولت»، فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره ۴.
- شهیدی، جعفر (۱۳۶۹)، *تاریخ تحلیلی اسلام*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، به تحقیق محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۷)، *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ط الثانية.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، به تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- عباشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *کتاب التفسیر*، به تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه، چاپ اول.
- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۸۰)، *از هجرت تا رحلت*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، *حکمرانی خوب و الگوری مناسب دولت*، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، به تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: ناشر: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- مبارک، اصغر و زیبا آذر پیوند (۱۳۸۸)، «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی»، مجله اقتصاد اسلامی، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۳۶.

- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار*، به تصحیح جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- محمد، حمیدالله (۱۳۷۴)، *نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام*، ترجمه دکتر سیدمحمد حسینی، تهران: انتشارات سروش.
- مسلم النیسابوری (بی تا)، *صحیح مسلم*، بیروت: دارالفکر.
- ملک زاده، محمد (۱۳۸۵ش)، *سیره سیاسی معصومان در عصر حاکمیت*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- میری، احمد و جعفری خیرخواهان (۱۳۸۳)، *حکمرانی خوب بنیان توسعه*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- نقیبی مفرد، حسام (۱۳۸۹)، *حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر*، تهران: نشر دانش.
- همایون مصباح، سیدحسین، «شاخصه‌ها و راه کارهای کارآمدی دولت در جامعه نبوی»، *مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، شماره ۷۲، مهر و آبان ۱۳۸۷، صص ۱۵۳-۱۹۲.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹)، *کتاب المغازی*، تحقیق مارسدن جونز، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ط الثالثة.
- یزدانی زنوز، هرمز (۱۳۸۸)، «بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب»، *فصلنامه حقوق عمومی*، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۵، صص ۷۰ تا ۴۹.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر.

“what is Good Governance”. (2009), article of Economic and Social Commission for Asia and the Pacific in United Nations, available on: <http://www.unescap.org/resources/what-good-governance>.